



استاد جوکار عضو هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان:

استاد فرشچیان؛ سالک ره عشق بود



استاد جوکار
عضو هیات علمی
دانشگاه هنر اصفهان

استاد محمود فرشچیان، با هنر بی‌نظیر و خلاقیت خیره‌کننده‌اش، تأثیری عمیق و ماندگار بر هنر نگارگری ایرانی گذاشته است. ایشان را می‌توان یکی از نوادر و بنیان‌گذاران مکتبی نوین در این عرصه دانست.

یکی از مهم‌ترین ابعاد تأثیرگذاری ایشان، نوآوری در کنار حفظ اصالت است. آثار فرشچیان صرفاً تکرار نگارگری‌های گذشتگان نیست؛ بلکه با نگاهی تازه و در عین حال وفادار به ریشه‌های هنر سنتی ایرانی، به آن جانی دوباره بخشیده است. او نگارگری را از صرفاً پدیده‌ای متکی به شعر و ادبیات رها ساخته و رسالت و ارزشی مستقل در حد سایر هنرهای تجسمی به آن بخشیده است.

همچنین، استاد فرشچیان در تلفیق ماهرانه هنر و مذهب بسیار موفق عمل کرده‌اند، به گونه‌ای که بسیاری از آثار مشهور ایشان مضامین شیعی دارند و توانسته‌اند پیام‌های عمیق معنوی را در قالب نگاره‌های زیبا به مخاطب منتقل کنند.

به طور خلاصه، تأثیر استاد فرشچیان بر نگارگری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

نوآوری و اصالت: ایجاد مکتبی نوین در نگارگری با حفظ

ریشه‌های سنتی.

استقلال بخشیدن به نگارگری: رها ساختن این هنر از وابستگی صرف به ادبیات و بخشیدن جایگاهی مستقل و هم‌ارز با سایر هنرها.

تلفیق هنر و مذهب: خلق آثاری با مضامین عمیق دینی و مذهبی که تأثیرگذاری فراوانی داشته‌اند.

جهانی کردن نگارگری: با کسب جوایز و افتخارات بین‌المللی، نقش مهمی در معرفی هنر نگارگری ایرانی به جهان ایفا کرده‌اند.

به این ترتیب، استاد فرشچیان نه تنها نگارگری را به جلو برده، بلکه آن را به سطحی از کمال رسانده‌اند که هم برای اهل فن و هم برای عموم مردم دلنشین و الهام‌بخش است. به همین دلیل و به بهانه درگذشت استاد فرشچیان به گفتگو با استاد جلیل جوکار، نگارگر مطرح کشورمان و عضو گروه هنر اسلامی هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان پرداخته ایم که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

به عنوان نخستین سوال بفرمایید با توجه به جایگاه یگانه استاد فرشچیان در نگارگری معاصر ایران، به نظر شما بارزترین ویژگی که هنر ایشان را از پیشینیان متمایز کرده و راه را برای آیندگان گشود، چیست؟

استاد محمود فرشچیان از دوران کودکی تا نوجوانی (تا حدود ۱۷ سالگی) که محضر استادان بزرگی چون استاد میرزا آقا امامی و استاد عیسی بهادری را درک می‌نمایند، در گام نخست سنت نگارگری ایرانی را چنانکه باید و در حد اعلاء درک می‌نمایند و در ک دقتی از اصول نقاشی کلاسیک غرب نیز پیدا می‌کنند.

گواه بر این مدعا اثر پروژه دیپلم ایشان است که در موزه هنرستان هنرهای زیبای اصفهان محفوظ است اثری که نمایشگر ملائک و ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت است در فردوس برین و لحظه خلقت آدم.

این نگاره براساس غزل معروف حضرت حافظ است:

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند

گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت

با من راه نشین باده مستانه زدند

این اثر نشانگر نبوغ بالا و بیانگر ذوق وافر محمود فرشچیان نوجوان است. در این اثر شاهد درک و اجرای تمام اصول و ظرایف دیرین نگارگری اصیل ایرانی هستیم و در عین حال ظرافتی از نگارگری معاصر نیز در آن متجلی است. آنچه از اصول بنیادین که در شاهکارهای دیرین نگارگری ایران مشاهده می‌شود شامل: استفاده از رنگ روحی و جسمی بصورت دقیق و بیجا و اصولی، به کارگیری فن طلااندازی و تذهیب، به کارگیری صحیح نقوش اسلیمی و ختایی، قلمگیری و دورگیری‌های دقیق و استادانه و به کارگیری تکنیک پرداز در رخشازی‌های لطیف اثر چشمگیر است.

در عین حال رعایت تناسبات آناتومیک صحیح و به کارگیری پرسپکتیو در این اثر نشانگر دریافت ویژگی‌های نگارگری معاصر است که این روند را از دوران قاجار و به خصوص از آثار صنیع الملک در نگارگری ایران شاهد هستیم. بی‌تردید این اثر را می‌توان حلقه اتصال سنت نگارگری و سنت‌های نقاشی کلاسیک دانست.

البته در مورد این اثر و سایر آثار ایشان می‌توان تحلیل‌های نمادشناسانه، بینا‌متنیتی، اسطوره‌کاوانه و حتی تحلیل هندسه پنهان را بصورت مفصل انجام داد و بیان نمود که در این مجال و مقال اندک نمی‌گنجد.

از منظر زیباشناسی و تکنیک، چگونه می‌توان نوآوری‌های استاد فرشچیان را در زمینه رنگ‌پردازی، فضا‌سازی و کمپوزیسیون در آثارشان تحلیل کرد؟ آیا ایشان مکتب خاصی را در این زمینه‌ها بنیان نهاده‌اند؟

این سوال چندین بخش دارد که در مورد هر کدام ساعتها می‌توان سخن گفت و ارائه تحلیل نمود. زیبایی‌شناسی، تکنیک، فضا‌سازی، کمپوزیسیون طرح، کمپوزیسیون رنگ و هر کدام یک سرفصل‌اند که شرح فراوانی نیاز دارند، اما اگر به اختصار بخواهم پاسخی شایسته و بایسته ارائه کنم باید بگویم فضا‌سازی و کمپوزیسیون طرح و رنگ در آثار استاد محمود فرشچیان در خدمت زیبایی‌شناسی چکمی آثار اوست.

به عبارت دیگر زیبایی‌محسوس بصری در آثار وی در خدمت زیبایی‌معقول است. ارزشهای معنوی اخلاقی و چکمی که ریشه در متون آیینی و ادبیات عرفانی دارد و زیر ساخت زیباشناسانه‌صوری آثار را تشکیل می‌دهد.

نگارگران در طول تاریخ تصویرسازان متون دینی، ادبی و گاه علمی و فلسفی بوده‌اند و پیوسته جانشان آمیخته با این مضامین بوده است. استاد محمود فرشچیان نیز از قاعده مستثنی نبوده‌اند.

آنگاه که زیبایی‌معقول زیربنای فکری و قلبی یک اثر می‌شود، فضا‌سازی و کمپوزیسیون نیز متأثر از آن می‌شود و دیگر نمی‌توان با اصول هنر ماتریالیستی پیشرفت.

فضای اثرنمایشی می‌شود از عالم مَثُل و برزخی می‌شود ما بین عالم محسوس و معقول. در این نوع نگرش و هنر آفرینی به نحوی نمادین از عناصرعالم محسوس بهره گرفته میشود تا مفاهیم و مضامینی از عالم معقول بیان شود.

حتی آن زمان که هنرمند واقعه تاریخی عاشورا را به تصویر می‌کشد این اصل به لحاظ فضا‌سازی بر ساختار اثر حاکم است.

“خیال” و “عشق” دو عنصر کلیدی در نگارگری ایرانی هستند. تبلور این دو مفهوم را در آثار استاد فرشچیان، به خصوص در مواجهه با مضامین آیینی و عرفانی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در مبحث خیال‌شناسی، خیال بردو قسم تقسیم و بررسی می‌شود، خیال متصل، خیال منفصل کاربرد خیال در مباحث فلسفی هستی‌شناسانه و عرفانی معرفت‌شناسانه همواره مورد توجه اهل نظر در علوم فلسفی و عرفانی بوده و در این میان خیال در تحقق و تبیین بخش عظیمی از مکاشفات پیش روی عارف، نقش اساسی ایفا می‌کند.

سهروردی و ملاصدرا در تبیین این مسأله، خیال را به دو قسم متصل و منفصل تقسیم می‌کنند. خیال متصل یکی از قوای باطنی انسان و نگهدارنده صورت خیال است.

خیال متصل، از آن روی متصل خوانده میشود که متصل به عالم واقعیت است و خیال منفصل عالمی منفصل از واقعیت و مستقل است که حد فاصل میان عالم معقول و عالم محسوس است.

از نظر ملاصدرا نفس عارف با سلوک باطنی می‌تواند از خیال متصل عبور کند و از عالم ناسوت بَرشود به عالم ملکوت و با اتصال به واهب‌الصور (بخشنده صورتها) در عالم ملکوت با خیال منفصل یکی شود و صور مثالی را مکاشفه کند. ثمره این مکاشفه، اتحاد نفس با مشهود خود است. اما خیال قدسی حاصل اتصال نفس سالک به عالم حقیقت است که متعالی‌ترین وجه خیال منفصل است. بی‌شک تا سالک ره‌رو ره عشق نباشد او را به این مراتب راهی نیست. رهیافت خیال منفصل و در نهایت و غایت خیال قدسی، ره‌روی ره عشق است.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است برخریده عالم دوام ما (حافظ)

اگرچه عشق دومین وادی و فقر و فنا هفتمین و آخرین وادی از هفت وادی‌سیر و سلوک است اما شرط ورود و صحت هرکدام از این مراتب، درک مرتبت فقر و فنا است:

تا نیابی در فنا کم کاستی

در بقا هرگز نبینی راستی (عطار)

بنا برآنچه بیان گردید اگر آثار استاد محمود فرشچیان را حاصل خیال منفصل بدانیم باید بپذیریم که ایشان سالک ره عشق بوده‌اند و مقدم برآن مراتبی از مرتبت فقر و فنا را درک و تجربه نموده‌اند که در منش و روش و آثارشان متجلی است.

استاد فرشچیان در آثارشان به گستره وسیعی از مضامین، از حماسی و اساطیری تا آیینی و ادبی، پرداختند. به نظر شما کدام مضمون یا مجموعه مضامین، نقطه اوج فعالیت هنری ایشان محسوب می‌شود و چرا؟

اگرچه تمامی مضامین ادبی همچون ادبیات حماسی، عرفانی، دینی، تغزلی و را استاد محمود فرشچیان تصویر سازی و ترسیم نموده‌اند و همگی نگاره‌های ایشان به لحاظ تکنیک در حد غایت و نهایت استادانه ترسیم شده‌اند اما به توجه به عشق عمیق ایشان به مضامین مذهبی، به حقیقت می‌توان آثار دینی و بخصوص آثار شیعی ایشان را می‌توان حاصل خیال منفصل قدسی دانست که ریشه در باروقوی و عشق وافر ایشان دارد.

از همین روی آثار مذهبی ایشان بیش از سایر آثار به دل مخاطبان باورمند می‌نشیند و در اذهان و دل و جان همگان ماندگار شده است.